

آموزش احکام، ۱۰۰ درصد تضمینی در ۱۴ جلد!*

• انسیبه موسویان

بدون شک تمام دست‌اندرکاران امر تعلیم و تربیت و اولیای تربیتی، بر تأثیر بی‌چون و چرای شعر و نظم و نقش آن در آموزش مسایل گوناگون به کودکان، اتفاق نظر دارند. کودک از همان سنین آغاز کودکی، با شعر و موسیقی احساس انس و قرابت دارد، او از جملات موزون لذت می‌برد و در بازی‌های کودکانه با همسالانش، از بازی‌های کلامی مثل قافیه‌بازی سود می‌جوید. کودک همچنین داستان‌های منظوم را با علاقه بیشتری می‌خواند و به خاطر می‌سپارد. همین امر، سبب شده است که بسیاری از شاعران و ناشران، به فکر پدید آوردن آثاری منظوم با رویکرد آموزش مباحث مختلف برای این طیف بیفتند.

این روزها بازار چاپ و نشر، از کتاب‌هایی که به آموزش علائم رانندگی و مسایل بهداشتی، آموزش رنگ‌ها، اعداد و اشکال و ... می‌پردازند، لبریز است. در این میان، آموزش مباحث دینی، احکام اسلامی و مفاهیم مذهبی به کودکان نیز از مسائلی است که توجه بسیاری از شاعران را به خود جلب کرده. مجموعه ۱۴ جلدی *آموزش احکام و مسائل اسلامی* که توسط نشر «معروف» وارد بازار شده و سروده سید محمد مهاجرانی است، از جمله این کتاب‌های آموزشی به شمار می‌رود.

نیت ناشران و پدیدآورندگان این مجموع، جدا از اهداف تجاری، قطعاً خیر است و بی‌شک در صدد انجام یک اقدام فرهنگی تربیتی ارزشمند بوده‌اند. با این حال، هیچ یک از این دلایل، آنها را از نقد و نظر و اصلاح کارشان بی‌نیاز نخواهد کرد؛ چرا که این امر، به دلیل ظرافت و حساسیت موضوع، توجه و تأمل مضاعفی را می‌طلبد.

اولاً از شاعری که قصد سرودن یک مجموعه ۱۴ جلدی شعر برای کودکان دارد، حداقل انتظار می‌رود که به معیارهای اولیه و اصول نخستین شعر آگاهی و شناخت داشته باشد. ثانیاً از آن‌جا که

* کتاب ماه کودک و نوجوان، سال دوازدهم، شماره ۱۳۳، آبان ۱۳۸۷. نوشتار حاضر نقدی است بر کتاب آموزش احکام و مسائل اسلامی؛ سروده سید محمد مهاجرانی؛ تهران: نشر معروف، ۱۳۸۷.

قصده آموزش مسائل دینی را به مخاطب دارد، باید خود نسبت به مسائلی که قصد آموزش آن را دارد، اشراف و تسلط کامل و کافی داشته باشد؛ چرا که این امر از حساسیت بالایی برخوردار است و کوچک‌ترین خطا و اشتباهی در امر آموزش، نتایج جبران‌ناپذیری به بار خواهد آورد.

در شعر کودک نیز همانند شعر بزرگسال، اولین نکته برخورداری از جوهره شعری است و رعایت سایر مسایل در مراحل بعدی قرار می‌گیرد. در این مجموعه ۱۴ جلدی، تعداد شعرها و حتی ابیاتی که از رگه‌های قوی شعری برخوردارند و هم‌زمان نقش خود را در آموزش نیز به خوبی ایفا کرده‌اند، بسیار اندک است؛ شاید آن قدر اندک که گاه در میان ابیات ضعیف و سروده‌های سُست و کم‌ارزش به لحاظ ادبی، گم می‌شوند. کم‌ترین توقع از یک شاعر کودک و نوجوان، این است که حداقل چارچوب اصلی شعر را بشناسد و وزن و قافیه را رعایت کند. متأسفانه بسیاری از شعرهای این مجموعه، حتی در چارچوب اولیه شعری و وزن و قافیه هم مشکل دارند. شاید بهتر باشد مسائل و مشکلات این کتاب‌ها را در چند بخش تقسیم‌بندی کنیم:

الف) اشکالات شعری

در بسیاری ابیات، وزن شعر به هم ریخته و سکنه‌های وزنی، سیر طبیعی زبان را دچار دست‌انداز و مشکل کرده است:

تو شهری از شهرهای دور

پایین پای آسمان

گوشه شهر خانه دارد

به پیرمرد مهربان

(کتاب تسبیح سبز، ص ۱۶)

در بند بالا «ر» در کلمه «شهر» از وزن خارج است.

کعبه تو شهر مکه است

میان مسجدالحرام

همانجایی که دور آن

چرخ می‌زنند از صبح تا شام

(کتاب تسبیح سبز، ص ۱۸)

«خ» در کلمه «چرخ» و «د» در «می‌زنند»، خارج از وزن است.

حالا شمرده و قشنگ

سه بار سبحان الله بگو

نام خدا مثل گل است

همیشه این گل را ببو

(کتاب تسبیح سبز، ص ۱۰)

در مصرع دوم بیت اول، کلمه «سبحان الله» وزن شعر را به هم ریخته است و خوب خوانده نمی‌شود. در بسیاری از ابیات، شاعر برای پرکردن وزن، ناگزیر از تکرار بی‌مورد کلمات بوده است که این تکرارها کاملاً حشو به نظر می‌رسند:

تلق تولوق تلق تولوق

خبر خبر سفر سفر

به شهر مشهد می‌رویم

سریع سریع بالا ببر

(کتاب روز پرستار، ص ۱۵)

برگ برگ پاییز بود

سرد سرد چه سرد بود

نقش‌های فرش کوچه

برگ‌های خشک و زرد بود

(کتاب شام و شادی، ص ۲۰)

همچنین، استفاده شاعر از قافیه‌های بسیار ضعیف در بسیاری از ابیات، از ارزش شعری آن کاسته

است؛ به عنوان مثال، نمونه‌های زیر را ببینید:

داد و هوار بهرام

سوختم سوختم آخ آخ آخ

دادو هوار شهرام

سوختم سوختم واخ واخ واخ!

(کتاب چوپان دروغگو، ص ۶)

«آخ آخ آخ» و «واخ واخ واخ» عجب قافیه بدیعی!

عمه را دید و گفت:

به به به امید خان!

باد آمد و گل آورد

خوش آمدی امید جان!

(کتاب دو شاخه گل، ص ۱۴)

خورشید خانم غروب کرد

نزدیک مغرب شده

ستاره ها آمدند

هوا چه جالب شده!

(کتاب گل سرخ کعبه، ص ۱۳)

به جز این قافیه های ضعیف و کم جان، گاه کلاً شاعر قافیه را از یاد می برد و یا قوافی کاملاً غلط در شعر می آورد:

هنگام خواندن نماز

باید رو به قبله باشیم

به سمت خانه خدا

یعنی همان کعبه باشیم

(کتاب تسبیح سبز، ص ۱۸)

اما نامحرمم کیه؟

شوهر عمه و خاله

پسر عمو، پسر خاله

پسر عمو، پسر عمه

پسر دایی، پسر خاله

(کتاب چادر آسمانی، ص ۱۹)

در این بند، علاوه بر نداشتن قافیه، کلمه «عمه» هم به ضرورت وزن، باید بدون تشدید خوانده شود.

ب) اشکالات زبانی

کودکان گروه «ب» و «ج» که مخاطب شعرهای این مجموعه هستند، در مراحل آموختن و زبان معیار و رسمی در دبستان قرار دارند. به همین دلیل، در کتاب هایی که برای این گروه نوشته

می‌شوند، شاعر و یا نویسنده باید اصول و معیارهای زبان رسمی را کاملاً رعایت کند. این سخن بدان معنا نیست که شعر به زبان شکسته و محاوره نداشته باشیم، بلکه منظور حفظ یکدستی زبان و شیوه صحیح جمله‌بندی و چینش کلمات، به لحاظ صحت دستور زبان و... است. در این سروده‌ها، شاعر معجونی از زبان رسمی و محاوره‌ای را مورد استفاده قرار داده است که به راستی کودک را گیج و سردرگم خواهد کرد.

می‌خواد که باعصایش

رد شود از خیابان

ماشین‌های رنگارنگ

رد می‌شوند شتابان

(کتاب دو شاخه گل، ص ۶)

قنوت اولین رکعت

پیش از رکوع خوانده می‌شه

قنوت دومین رکعت

پس از رکوع است همیشه

(کتاب روز پرستاره، ص ۱۶)

تو گوشم است صدای او

چه خالی مانده جای او

رفت و تا یک سال نمی‌آد

گریه کنم برای او

(کتاب گوشواره آسمان، ص ۸)

گاه با اشکالات فاحش زبانی و دستوری برمی‌خوریم که شاعر در تنگنای وزن و قافیه، دچار آن شده است:

گل بی‌بی گفت: دخترم

تو هم پاشو سلام کن

به مهدی فاطمه (عج)

همیشه احترام کن

(کتاب دو شاخه گل، ص ۲۲)

به جای «احترام بگذار»، شاعر لفظ احترام کن را آورده که غلط است.

گفتم مامان روزه‌ای است

وقت خوراکی که نیست

خندید و گفت: پسرجان

مسافریم ما الان

(کتاب گوشواره آسمان، ص ۲۰)

به جای «مامان روزه‌ام»، شاعر گفته است «مامان روزه‌ای است»!

همین طور در این بند:

مامانجان و عمه جهان

آش می‌پزند با دیگ ما

امروز روز شهادت است

شهادت امام رضا (ع)

(کتاب آش نذری، ص ۱۵)

به جای «آش می‌پزند تو دیگ ما»، شاعر آورده است «آش می‌پزند با دیگ ما». معلوم است که

آش را در دیگ می‌پزند، نه با دیگ!

یا در این بند:

سمیه هم چشم گذاشت

زود دویدیم تو کوچه

او مشغول جست‌وجو

ما مشغول کلوچه

(کتاب آش نذری، ص ۱۶)

که منظور شاعر در مصراع آخر، «مشغول خوردن کلوچه» است.

در شعر «چوپان دروغ‌گو» هم می‌خوانیم؛

نزدیک ظهر صدا کشید!

آهای آهای کمک کمک!

گرگ آمده گرگ آمده

گرگ سیاه بی‌نمک!

(کتاب چوپان دروغ‌گو، ص ۵)

که احتمالاً منظور شاعر «صدا زد» است؛ چون فعلی تحت عنوان صدا کشیدن در زبان فارسی نداریم؛

در بسیاری از اشعار نیز شاعر به دام کلی‌گویی‌های شاعرانه افتاده است. آوردن صفت‌های کلی مثل جالب، باشکوه، شعارزدگی و کلیشه‌گویی مشکلی است که در بسیاری از ابیات به چشم می‌خورد:

روسری قشنگ او

بلند و پُر‌تعالی است

حجاب زن داداش من

چه جالب است چه عالی است!

(کتاب چادر آسمانی، ص ۱۶)

(در متن کتاب، پرتعالی باغ نوشته شده است!)

آوردن صفت‌های کلیشه‌ای و کلی مثل مهربان، خوب، شاد و شادمان در شعر زیر، آن را به

نظمی سُست و ضعیف تبدیل کرده است:

مامان جان و مامان بزرگ

با خواهر مهربانم

دختر خوب خواهرم

با دختر داداش جانم

عمه شادِ شادمان

خاله خوب و مهربان

عمه و خاله بابا

عمه و خاله مامان

(کتاب چادر آسمانی، ص ۱۴)

همچنین، بیان مستقیم و شعارزدگی در این ابیات که به عنوان نمونه نقل می‌شود:

سلام که هست سلامتی

دوستی را محکم می‌کند

شور و نشاط می‌آورد

غصه‌ها را کم می‌کند

(کتاب چادر آسمانی، ص ۵)

هر که رسید و گفت و سلام

باید جوابش بدهیم

جواب سلام را بهتر است

ما آب و تابش بدهیم!

(کتاب چادر آسمانی، ص ۶)

پیامبر عزیز ما

گفته برای مرد و زن

همیشه لازم است شما

یاد بگیرید دانش و فن

(کتاب آش نذری، ص ۵)

ج) اشکالات محتوایی

آموزش مباحث دینی، از ظرافت و حساسیت خاصی برخوردار است و هیچ گونه خطایی در آموزش این مسایل، قابل اغماض نیست. شاعر در این مجموعه، تلاش کرده است بسیاری از احکام و مفاهیم اسلامی را به مخاطب آموزش دهد. به عنوان مثال در بحث نماز، نمازهای یومیه، نماز جمعه و جماعت، نماز عید فطرو نماز آیات را آموزش می دهد. در احکام روزه، مسایلی که باعث ابطال روزه می شود. در بحث حجاب، محرم و نامحرم و خلاصه ذکر نام جانوران حلال گوشت و حرام گوشت، نوشیدنی های حلال و حرام و نیز پرهیز از دروغ گویی و غیبت و رعایت امانت داری و ... را آموزش می دهد.

نکته ای که در این زمینه باید به آن اشاره کرد، این است که بسیاری از این آموزش ها کامل و صحیح نیستند؛ گویی شاعر شتاب قابل ملاحظه ای داشته و به سرعت به ذکر یاد و نامی از برخی احکام پرداخته و از کنارش گذاشته است.

در بحث نماز جمعه، تنها به این نکته اشاره می کند که «نماز جمعه دو خطبه دارد، دو رکعت است و خیلی قشنگ و راحت است! سپس قنوت و زمان خواندن آن را می گوید.» در حالی که کودک فلسفه نماز جمعه، معنای خطبه و آشنایی با امام جمعه، اهداف و ضرورت های برگزاری نماز جمعه و...

را نمی‌داند. همچنین، در شعر «روز پُر ستاره» که درباره «نماز آیات» است، تنها به زمان و دلیل خواندن نماز آیات اشاره کرده و کیفیت قرائت آن را فراموش کرده است:

با خنده می‌گوید پدر
وقتی گرفت خورشید و ماه
نماز آیات می‌خوانیم
چه توی شهر چه بین راه!
(کتاب روز پُر ستاره، ص ۲۰)

در شعر دیگری درباره «نیت نماز» سخن می‌گوید:

نماز صبح یا ظهر یا عصر
نماز مغرب یا عشا است
شکسته است یا کامل است
نماز اصلی یا قضا است؟
(کتاب تسبیح سبز، ص ۴)

کودک مفهوم نماز شکسته، اصلی و قضا را نمی‌داند و شاعر هم هیچ‌گونه اشاره‌ای در هیچ‌یک از شعرها به آن نمی‌کند.

در شعری با عنوان «کله طاووسی»، روزه کله گنجشکی را آموزش می‌دهد و به دو اصطلاح جدید و عجیب و غریب «کله طاووسی»، روزه کله گنجشکی را آموزش می‌دهد و به دو اصطلاح جدید و عجیب و غریب «کله خروسی» و «کله طاووسی» اشاره می‌کند که طبیعتاً کودک را دچار اشتباه و گیج و سرگردان می‌کند:

سال بعد بگیر
کله خروسی
دو سال دیگر
کله طاووسی!
(کتاب گوشواره آسمان، ص ۱۱)

در شعر دیگری قصد دارد زشتی «غیبت» را به مخاطب گوشزد کند. در حالی که دو کودک به نام‌های شهرام و بهرام با یکدیگر پیچ‌پیچ می‌کنند (معلوم نیست غیبت است یا چیز دیگر)، بدون این که مفهوم غیبت و ضرر آن را به مخاطب نشان دهد، این گونه نتیجه‌گیری می‌کند:

دو زنبور طلایی

پر می‌زنند ویز ویز ویز

بهرام و شهرام را زود

نیش می‌زنند چیز چیز چیز

خنده‌کنان می‌گویند

نیش‌ها نوش‌جانتان

تا که غیبت نکنید

پشت سر این و آن!

(کتاب چوپان دروغ‌گو، ص ۶)

در شعر «بی‌بی و نی‌نی» می‌خوانیم:

وسط بازی

یک دفعه نی‌نی

پی‌پی می‌کند

رو پای بی‌بی

بی‌بی با خنده

می‌گه چی کردی؟

رو چادر من

باز پی‌پی کردی؟

عیبی ندارد

گل انارم

من توی بقچه

باز چادر دارم!

(کتاب گل سرخ کعبه، ص ۷)

مشخص نیست که بالاخره «چادر بی‌بی» آلوده شده یا پای او؟ و کدام‌یک باید پاک شود؟ چرا که اگر آلودگی به پای بی‌بی هم رسیده باشد، قاعدتاً باید شسته شود و تنها عوض کردن چادر کافی نیست.

در جای دیگری شاعر «اذان و اقامه» را به مخاطب یاد می‌دهد. او می‌گوید:

هجده گل یاس

نقش اذان است

هفده تا سنبل

دنبال آن است

(کتاب گل سرخ کعبه، ص ۱۴)

کودک از این بند، تنها معنای ظاهری سنبل و یاس را می‌فهمد؛ در حالی که منظور شاعر از یاس و سنبل، ذکرهای الله اکبر و لاله الا الله و ... بوده است.

برخی ابیات هم کاملاً بی‌معنی است و یا شبیه چیستان و معما شده‌اند؛ معماهایی که بعید به نظر می‌رسد کودک گروه سنی «ب» و «ج» بتواند پاسخ آنها را به تنهایی کشف کند:

پنج تا نماز در شب و روز

با بیست و هفت گل قشنگ

خانه ما را می‌کند

خوش عطر و بو خوش آب و رنگ

(کتاب تسبیح سبز، ص ۱۶)

راستش من که هرچه به مغز فشار آوردم و فکر کردم، نفهمیدم منظور شاعر از «بیست و هفت گل قشنگ» کدام ذکر نماز است!

شاعر که خود در یک جلد از این مجموعه، به آموزش فضیلت‌های اخلاقی، مثل راست‌گویی، امانت‌داری و درست‌کاری می‌پردازد در یکی از شعرها ناخودآگاه از زبان یکی از شخصیت‌های شعر، دوستش را مسخره می‌کند و به او لقب ناپسند «ناخن سیخی» می‌دهد که با آموزش‌های این کتاب منافات داشته و نقض غرض است:

خنده‌کنان می‌چرخند

شادی و نادى حالا

شالی ناخن سیخی

زُل زده به بچه‌ها!

(کتاب چوپان دروغ‌گو، ص ۱)

در تعدادی از شعرها هم شاعر فقط به ردیف کردن و چینن اسامی در کنار هم اکتفا کرده که جز جملاتی موزون و مقفی (که آن هم در بسیاری موارد رعایت نشده)، هیچ نیستند. به راستی، نام بردن و ردیف کردم اسم حیواناتِ حلال گوشت و حرام گوشت در شعر، بی هیچ هنر شاعرانه و ارزش ادبی، چه ضرورتی دارد؟

... اما چَرنده حلال

گوزن و گاو و گوساله

آهو و گوسفند و شتر

بره و میش و بزغاله

اما پرنده حلال

سار و خروس و کبکِ ناز

کبوتر و بوقلمون

قُمری و مرغ، اردک و غاز!

(کتاب شام و شادی، ص ۶)

استفاده شاعر از شخصیت‌های مختلف که در شعرها حضور دارند و حوادث حول محور روابط و گفت‌وگوهای آنها می‌چرخد نیز جای تأمل دارد. به عنوان مثال، در بسیاری از شعرها با شخصیتی با نام «نی نی» مواجه هستیم. نی نی که در زبان محاوره به نوزاد و بچه خیلی کوچک اطلاق می‌شود، ظاهراً در این کتاب‌ها صاحب شخصیتی فراتر و متفاوت است. این نی نی هم روی چادر بی بی، خراب کاری می‌کند! (یعنی این قدر کوچک است) هم در جای دیگر نماز می‌خواند و برای بی بی قصه می‌گوید و شعر می‌خواند! گاهی گفت‌وگو میان این شخصیت‌ها، به طنز بیشتر شباهت دارد!

ابیاتی را می‌خوانیم که در شأن یک کار مذهبی با فضای معنوی این چنینی نیست:

می‌خندند های

بی بی و نی نی

ها ها ها ها ها

(کتاب حبه انگور، ص ۱۳)

نکته آخر این که ای کاش شاعر این مجموعه‌ها، به جای تولید انبوه شعر برای مخاطب، با این همه اشکالات صوری و محتوایی، دست به انتخاب و ویرایش می‌زد و بهترین و زیباترین

سروده‌هایش را در یک مجموعه گرد می‌آورد. چه ضرورتی دارد که کودک گروه سنی «ب» و «ج» ناگهان با حجم وسیعی از این همه احکام دینی و مباحث مذهبی مواجه شود؟ مباحثی که بدون شک با خواندن این شعرها به تنهایی، آنها را نخواهد آموخت و حتماً باید پدر و مادر و معلمی در کنار او باشد تا مفهوم برخی شعرها را مجدداً برایش توضیح دهد و به زبان ساده بیان کند.

اشکالات شعری و محتوایی در اغلب سروده‌های این مجموعه به چشم می‌خورد که برای پرهیز از اطالۀ کلام، از اشاره به اغلب آنها صرف نظر و تنها به ذکر چند نمونه در هر مورد بسنده کرده‌ایم.

